



تکثر مذهبی و التزام دینی در ایران

محمدرضا طالبان^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۶

چکیده

چگونگی ارتباط بین تکثر یا تنوع مذهبی با التزام دینی یکی از محورهای اصلی منازعه میان دو پارادایم حاکم بر جامعه‌شناسی دین در سه دهه اخیر بوده است. ذخیره دانشی قدمای علوم اجتماعی ذیل پارادایم سکولاریزاسیون حکایت از این داشت که تکثر/تنوع مذهبی موجب تضعیف التزام دینی می‌گردد. در مقابل، پارادایم جدید اقتصاد دین یا مدل بازار دین استدلال نمود که تکثر/تنوع مذهبی منجر به افزایش التزام دینی می‌شود. در مقاله حاضر، مکانیسم‌های ارتباطی میان دو متغیر تکثر/تنوع مذهبی و التزام دینی از دیدگاه دو پارادایم سکولاریزاسیون و بازار دین تشریح شده و سپس، فرضیات متعارض آنها با داده‌های ثانویه مربوط به ایران از طریق تحلیل تطبیقی درون‌کشوری با واحد تحلیل استان مورد واریسی تجربی قرار گرفت. نتایج بدست آمده نشان داد که ارتباطی میان تکثر/تنوع مذهبی و التزام دینی در ایران وجود نداشته است. در حقیقت، یافته‌های این تحقیق نتوانست حمایتی تجربی برای دو پارادایم حاکم بر جامعه‌شناسی دین در چگونگی ارتباط بین تکثر/تنوع مذهبی با التزام دینی فراهم آورد؛ بلکه باید آن را به‌عنوان چالشی تجربی برای هر دو پارادایم سکولاریزاسیون و بازار دین محسوب نمود.

کلیدواژه‌ها: تکثر مذهبی؛ التزام دینی؛ سکولاریزاسیون؛ بازار دین؛ شاخص هرفیندال.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱- مقدمه و بیان مسأله

در چهار دهه گذشته شاهد تجدید حیات دین در صحنه اجتماعی و سیاسی کشورهای مختلف در جهان بوده‌ایم. در این راستا می‌توان نمونه‌های متعددی را نام برد از جمله، انقلاب اسلامی در ایران، فعال‌گرایی سیاسی اسلامی در کشورهای متعدد، رشد جنبش‌های پروتستانی در ایالات متحده آمریکا، رونق کلیساها در آمریکای جنوبی؛ احیای اخلاقی در کلیسای کاتولیک رومی، فعال‌گرایی سیاسی در میان بودیسم در آسیای جنوبی، و فعال‌گرایی هندوئیسم در شبه قاره هند (دی‌گراف^۱، ۲۰۱۳: ۳۲۲). این خیزش‌های دینی نه تنها توجه سیاستمداران و ژورنالیست‌ها را بخود جلب نمود؛ بلکه، مورد توجه بسیار زیادتری در میان دانشمندان علوم اجتماعی بویژه جامعه‌شناسان دین قرار گرفت. دلیل اصلی آن، این بود که تقریباً از بدو تکوین علوم اجتماعی جدید تا اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی دیدگاه عمومی و غالب در میان دانشمندان علوم اجتماعی این بود که سکولاریزاسیون و زوال اهمیت اجتماعی - سیاسی دین به همراه افول دینداری مردم یک فرآیند اجتناب‌ناپذیر و برگشت‌ناپذیر در جوامع مدرن و توسعه‌یافته می‌باشد؛ و کشورهای غیرمدرن و در حال توسعه نیز عاقبت همین روند و نتایجش را تجربه خواهند نمود. در واقع، از آنجا که مفاد اصلی تز سکولاریزاسیون در این اعتقاد نهفته بود که دین و مدرنیزاسیون با یکدیگر تعارض ذاتی دارند؛ تجدید حیات مذهبی در سرتاسر جهان در طول چهار دهه گذشته و بویژه سطوح نسبتاً بالای سرزندگی مذهبی در توسعه‌یافته‌ترین کشور جهان یعنی آمریکا، تز سکولاریزاسیون را نزد برخی جامعه‌شناسان به‌حدی مورد شک و تردید قرار داد که منجر به یک «رئیس‌تئوری‌پردازی» در جامعه‌شناسی دین گردید (استارک^۲، ۱۹۹۷: ۳). در همین راستا بود که برخی دانشمندان علوم اجتماعی که بشدت مخالف با تز سکولاریزاسیون بودند، تئوری انتخاب بخردانه را وارد حوزه مطالعات اجتماعی دین نمودند. نقطه عطف این تحول، انتشار کتاب «تئوری دین»^۳ (۱۹۸۷) توسط استارک و بین‌بریج بود که تا چندین سال بعد از چاپش ناشناخته مانده بود (دی‌گراف^۴، ۲۰۱۳: ۳۲۲). این اثر تئوریک استارک و بین‌بریج بعداً بعنوان «رویکرد عرضه‌محور»^۴ به دین نامیده شد؛ چون در آن بر اهمیت عرضه آموزه‌ها و گزینه‌های مذهبی در حیات و سرزندگی دینی تأکید کرده بودند و تقاضا برای دین نزد مردم را بطور کلی ثابت فرض نمودند. واقعیت آن بود که تئوری عرضه‌محور

1- De Graaf

2- Stark

3- A Theory of Religion

4- Supply side approach

به دین، کمک فوق‌العاده مهم و شاید تنها کمک پارادایم انتخاب بخردانه برای حوزه دین بوده است؛ و به همین دلیل، دین‌پژوهان اجتماعی از برجسب‌های «تئوری انتخاب بخردانه» و «رویکرد عرضه‌محور» بطور قابل‌تعویض استفاده نموده‌اند. در هر حال، این رویکرد نظری جدید در دین‌پژوهی اجتماعی که «اقتصاد دین»^۱ و «نظریه بازار دین»^۲ نیز نامیده شده است، از دهه ۱۹۹۰ میلادی به بعد به‌عنوان پارادایمی جدید- در مقابل پارادایم قدیمی سکولاریزاسیون- در حوزه جامعه‌شناسی دین درآمده و منشأ منازعات نظری و تجربی متعددی گردیده است (برای آشنایی با این منازعات ر. ک. به: وارنر^۳، ۱۹۹۳؛ هچتر و کانازاوا^۴، ۱۹۹۷؛ استارک و فینک^۵، ۲۰۰۰؛ استارک، ۲۰۰۶؛ لخنر^۶، ۲۰۰۷؛ دی‌گراف، ۲۰۱۳؛ لیر^۷، ۲۰۱۶).

یکی از محورهای کانونی در منازعه میان این دو پارادایم در جامعه‌شناسی دین مربوط به چگونگی رابطه تکثر یا تنوع مذهبی^۸ با التزام دینی^۹ بوده است. بنا به ادعای نظریه‌پردازان پارادایم جدید در مطالعات دین، پارادایم قدیمی سکولاریزاسیون همواره بر این اعتقاد ملتزم بوده است که دین فقط هنگامی می‌تواند در یک جامعه، قوی و مستحکم باشد که خصلت انحصاری داشته باشد و از این روست که تکثر/تنوع مذهبی موجب تضعیف ایمان دینی مردم و کاهش التزام دینی می‌گردد. همچنین، چون تکثر یا تنوع مذهبی یکی از پیامدهای اجتناب‌ناپذیر فرآیند مدرنیته می‌باشد، دین در جوامع مدرن خواه‌ناخواه رو به افول و زوال می‌گذارد.

هر جا مدرنیته پیشرفت جدی کرده، از اقتدار و اهمیت دین کاسته شده است... افول اقتدار دین بتدریج به افول میزان پیروی از آن دین و در نتیجه، افول کلی آن دین می‌انجامد (بروس، ۱۳۹۲).

پس، ذخیره دانشی قدمای علوم اجتماعی ذیل پارادایم سکولاریزاسیون در قبال این پرسش که «ارتباط تکثر/تنوع مذهبی با التزام دینی چگونه است؟» حکایت از این پاسخ روشن داشت

- 1- Economics of Religion
- 2- Religious Market theory
- 3- Warner
- 4- Hechter & Kanazawa
- 5- Finke
- 6- Lechner
- 7- Iyer
- 8- Religious Pluralism
- 9- Religious Commitment

که ارتباط مزبور، منفی است؛ یعنی تکثر/تنوع مذهبی موجب تضعیف التزام دینی می‌گردد (برگر، ۱۳۹۷؛ بروس^۱، ۱۳۸۷، ۱۳۹۲، ۱۹۹۹، ۲۰۱۱؛ نوریس و اینگلهارت^۲، ۲۰۱۱).
در مقابل، رویکرد اقتصاد دین یا مدل بازار دین استدلال نمود که تکثر/تنوع مذهبی منجر به افزایش التزام دینی می‌شود؛ چون، گزینه‌های انتخابی بیشتری را برای دینداری‌های گوناگون مردم جهت ارضای نیازهای مذهبی متنوع‌شان فراهم می‌کند (استارک و بین‌بریج^۳، ۱۹۸۷؛ ایاناکن^۴، ۱۹۹۱؛ فینک و استارک، ۱۹۹۲؛ فینک و ایاناکن، ۱۹۹۳؛ استارک و فینک، ۲۰۰۰؛ استارک و کورکوران^۵، ۲۰۱۹). در حقیقت، نظریه‌پردازان پارادایم جدید استدلال نمودند که دیدگاه سنتی در جامعه‌شناسی دین، وارونه‌اش درست است - یعنی، تکثر/تنوع مذهبی بطور مثبت با التزام دینی ارتباط دارد.

باری، برخی جامعه‌شناسان درون این پارادایم جدید برای اولین بار بر اثبات یک چنین ارتباطی استدلال نظری اقامه نموده و تأیید تجربی آن را با بررسی شهرهای درون کشور آمریکا نشان دادند (فینک و استارک، ۱۹۸۸). لکن، چون این مدعای نظری تأیید شده با شواهد تجربی برخلاف شهود عادی و عقل متعارف در سنت علوم اجتماعی بود، موجب برانگیختن میزان فوق‌العاده‌ای از پژوهش‌های تجربی در این خصوص گردید. مع‌الوصف، تحقیقات تجربی در خصوص ارتباط میان تکثر/تنوع مذهبی و التزام دینی به نتایج همگرایی نرسید، تا جایی که دو تن از جامعه‌شناسان دین در مروری جامع بر ۱۹۳ تحلیل آماری انجام گرفته در خصوص چگونگی ارتباط میان تکثر/تنوع مذهبی با التزام و مشارکت دینی چنین نتیجه گرفتند:

از میان کلی تحلیل‌های انجام گرفته، ۳۱ درصد (۶۰ تا) ارتباط مثبت معنادار و ۴۴ درصد (۸۶ تا) ارتباط منفی معنادار میان این دو متغیر را بدست آورده بودند. ۲۵ درصد (۴۷ تا) نیز نشان دادند که ارتباطی میان تکثر/تنوع مذهبی و مشارکت دینی وجود ندارد که ۲۶ تای آنها واجد ضرایب همبستگی مثبت غیرمعنادار و ۲۱ تا، منفی غیرمعنادار بود (چاوز و گورسکی^۶، ۲۰۰۱: ۲۶۴).

- 1- Bruce
- 2- Norris & Inglehart
- 3- Bainbridge
- 4- Iannaccone
- 5- Corcoran
- 6- Chaves & Gorski

پس، در حیطه تحقیقات تجربی ارتباط میان تکثر/تنوع مذهبی با التزام دینی هنوز هم یک مقوله جدلی باقی مانده که نیازمند تحقیقات بیشتر است. از آن مهم‌تر، کلیه پژوهش‌های تجربی انجام گرفته برای واری ارتباط میان تکثر/تنوع مذهبی و التزام دینی در درون سنت‌های دینی مسیحی انجام گرفته؛ و متأسفانه هیچ پژوهشی با این هدف در سنت اسلامی انجام پذیرفته است.^۱ از این رو، و با توجه به تفاوت‌های عمده دین اسلام با مسیحیت لازم و ضروری است تا ادعاهای تئوری بازار دین و سکولاریزاسیون مبنی بر ارتباط مثبت یا منفی تکثر/تنوع مذهبی با التزام دینی در میان جمعیت مسلمانان نیز مورد ارزیابی تجربی قرار گیرند.

۲- پیشینه پژوهش

۲-۱- تبیین نظری

گرچه، بخش مهمی از تبیین نظری در علوم اجتماعی شامل مشخص نمودن تأثیر یک متغیر خاص تبیینی بر متغیر وابسته است؛ ولی، بخش مهم‌تر عبارتست از مشخص نمودن مکانیسمی که آن متغیر تبیینی را به متغیر وابسته پیوند می‌دهد. مکانیسم‌ها می‌توانند تعریف شوند بعنوان فرآیندها یا متغیرهای میانجی/واسط که از طریق آنها یک متغیر تبیینی، اثری علی روی متغیر وابسته می‌گذارد (بودون^۲، ۱۹۹۸؛ هدستروم و سوئدبرگ^۳، ۱۹۹۸؛ ماهونی^۴، ۲۰۰۱؛ لیتل^۵، ۲۰۰۴؛ جورج و بنت^۶، ۲۰۰۵؛ گروس^۷، ۲۰۰۹؛ گورتس^۸ و ماهونی، ۲۰۱۲؛ یلیکوسکی^۹، ۲۰۱۸). از این رو، در ادبیات روش‌شناسانه علوم اجتماعی، به تبیین‌هایی که مکانیسم‌های میانجی را تشریح نموده‌اند، «تبیین‌های با جعبه سیاه»^{۱۰} اطلاق شده است؛ بدین معنا که معلوم نیست «چگونه» و از طریق چه فرآیندی متغیر تبیینی با متغیر وابسته به‌نحوی که پیش‌بینی شده، ارتباط پیدا کرده است. به همین سبب، ضروری است به درون جعبه سیاه

۱- البته تا جایی که احصاء گردید که مسلماً استقرای تام نبوده است.

- 2- Boudon
- 3- Hedström & Swedberg
- 4- Mahoney
- 5- Little
- 6- George & Bennett
- 7- Gross
- 8- Goertz
- 9- Ylikoski
- 10- Black-box Explanations

میان متغیر درونداد (یا مستقل) و متغیر برونداد (یا وابسته) رفته و مکانیسمی را مشخص نماییم که این ارتباط یا هم‌تغییری را بار آورده است. نقش اصلی تئوری‌ها در علوم اجتماعی نیز معرفی و تشریح مکانیسم‌ها یا فرآیندهای تکرارشونده‌ای است که متغیر(های) دروندادِ تبیینی را به متغیر بروندادِ وابسته پیوند می‌دهند. به همین دلیل، هر گونه مدعای تبیینی در خصوص ارتباط مثبت یا منفی تکثر/تنوع مذهبی با التزام دینی، جزو «تبیین‌های با جعبه سیاه» محسوب می‌شود، مگر آن که با تشریح مکانیسم‌های میانجی، روشن شود که «چگونه» این نحوه ارتباط بوجود می‌آید.

همان‌طور که پیش از این گفته شد، مدعای طرفداران رویکرد نظری سکولاریزاسیون این بوده است که بین تکثر/تنوع مذهبی با التزام دینی همبستگی منفی وجود دارد؛ یعنی تکثر یا تنوع مذهبی، التزام دینی مردم یک جامعه را کاهش می‌دهد. در حالی که، رکنِ رکنِ مدل نظری بازار دین بر این پایه استوار شده که همبستگی میان دو متغیر تکثر یا تنوع و التزام دینی، مثبت است؛ یعنی تکثر یا تنوع مذهبی، التزام دینی مردم یک جامعه را افزایش می‌دهد. به این ترتیب، دو دیدگاه نظری رقیب در جامعه‌شناسی دین دو تبیین متضاد ارائه نموده‌اند که تأیید یکی مستلزم رد دیگری است. حال، باید دید هر یک از این دو رویکرد نظری با چه مکانیسمی، جعبه سیاه میان دو متغیر تکثر/تنوع مذهبی و التزام دینی را باز کرده تا روشن نمایند که چگونه این ارتباط بوجود آمده است؟

از دیدگاه پارادایم قدیمی سکولاریزاسیون به نظر واضح و بدیهی می‌رسد که دین در مناطقی قوی‌تر خواهد بود که مردم بخاطر روبرو شدن با مذاهب مختلف رقیب دچار حیرت و سرگردانی نشوند. همان‌طور که جامعه‌شناس برجسته دین، پیتر برگر توضیح داده است «وظیفه سنتی دین عبارت بوده است از ساخت یک جهان مشترک که در آن، سرتاسر حیات اجتماعی معنایی غایی برای همه افراد پیدا می‌کند» (برگر، ۱۹۶۹: ۴-۱۳۳). این وضعیت فقط در جوامعی می‌تواند رخ دهد که یک نهاد مذهبی منفرد، غالب باشد تا بتواند یک سایبان مقدس-یک چشم‌انداز جهانشمول مذهبی- را بر سرتاسر جامعه بگستراند. همان‌طور که دورکیم معتقد بود در جامعه‌ای که چندین گروه مذهبی با یکدیگر در رقابت هستند، دین کمتر می‌تواند حکمفرمایی کند (استارک و فینک، ۲۰۰۰: ۳۱)؛ برگر نیز استدلال نمود، در جوامع یا مناطقی که چندین مذهب رقیب و ناسازگار وجود دارند، «دین» اعتبار و ساختار باورپذیری انحصاری و

بالتبع، قدرت قبلی‌اش را از دست می‌دهد و به نوعی از کالاهای مصرفی تقلیل پیدا می‌کند که مردم آزادند اگر آن را مناسب دیدند، انتخابش کنند.

اگر ساختار باورپذیری مذهبی فراگیر و بادوام باشد، جهان مذهبی که از این طریق حفظ می‌شود در آگاهی افراد نیز فراگیر و بادوام خواهد بود. در حالت بهینه، «جهان مذهبی» مسلم پنداشته شده و پذیرفته خواهد شد. با این حال، هر چه این ساختار باورپذیری تضعیف گردد، واقعیت ذهنی جهان مذهبی نیز مورد چون و چرا قرار می‌گیرد و عدم اطمینان، ظاهر خود را نشان می‌دهد (برگر ۱۹۶۹: ۱۵۰).

در همین راستا بود که دورکیم استدلال نمود فرآیند تکه‌تکه شدن دین مسیحیت به مذاهب مختلف مسیحی در غرب، قدرت هژمونیک آن دین الهی فراگیر را از میان برد و بذر شک و تردید را در میان مردم کاشت. استدلال برگر نیز در کتاب «سایبان مقدس» (۱۹۶۹) به این نتیجه می‌انجامد که تکثر/تنوع مذهبی خواه‌ناخواه موجب فرسایش دین و سکولاریزاسیون می‌گردد.

از انحصار درآمدن دین و ایجاد وضعیت متکثر، این امر را خیلی دشوار می‌سازد که ساختار باورپذیری را حفظ و نگهداری نمود یا یک ساختار باورپذیری جدید برای دین ساخت. ساختارهای باورپذیری، فراگیری‌شان را از دست می‌دهند، چون دیگر نمی‌توانند بطور طولانی جامعه را بعنوان یک کل برای عمل در جهت هدف تأیید اجتماعی به خدمت گیرند... برای ساکنان هر جهان مذهبی خاص بطور فزاینده‌ای دشوار می‌شود تا در جوامع معاصر، مطمئن باقی بمانند. علاوه بر این، ساختارهای باورپذیری، ماندگاری‌شان را بعنوان پیامدی از پویایی‌های فرهنگ مصرفی از دست می‌دهند (همان: ۱۵۱).

برای مثال، اگر مسلمانی معتقد باشد که اسلام به همان اندازه مسیحیت یا آیین هندو صادق است، لاجرم باید نتیجه بگیرد که رابطه میان آموزه‌های اختصاصاً اسلامی و درست‌بودن یا اعتبار واقعی‌شان، بسیار ضعیف است؛ و همین نکته در باره پیروان همه ادیان دیگر نیز صادق است. به عبارت دیگر، برای آن که فردی یک دین یا مذهب خاص را با تمام وجود بپذیرد، باید آن را چنان ببیند که گویی درکی معتبرتر از سایر ادیان و مذاهب نسبت به عالم و رابطه فرد با عالم بدست می‌دهد. تکثر یا تنوع مذهبی، همین ساختار اعتبار و باورپذیری مذاهب را برای افراد تضعیف می‌کند که نتیجه‌اش، کاهش التزام و مشارکت مذهبی و افزایش سکولاریزاسیون خواهد بود.

در ادامه همین خط استدلالی بود که استیو بروس، جامعه‌شناس برجسته بریتانیایی، در تشریح چگونگی تحقق سکولاریزاسیون در اروپا نشان داد که تکثر/تنوع مذهبی در اروپا همان معبر و مسیری بود که منجر به سکولاریزاسیون یا افول دین و دینداری گردید. بنا به استدلال بروس، در وضعیتی که ادیان و مذاهب متعددی در یک جامعه وجود دارند، مردم آگاه می‌شوند که واجد گزینه‌های مختلفی برای انتخاب هستند و در واقع می‌فهمند که هیچ دین و مذهبی نمی‌تواند لزوماً درست باشد.

در وضعیت تکثر دینی دیگر نمی‌توان از مردم خواست از یک دین خاص یا سبک مذهبی واحدی پیروی کنند... با پذیرش وضعیت تکثر دینی در یک جامعه مردم احتمالاً به این نتیجه می‌رسند که حال که با پیروی از یک دین نادرست به جهنم نمی‌روند، اصلاً ضرورتی ندارد که چندان پروای دین داشته باشند... افول اقتدار یک دین بتدریج به افول میزان پیروی از آن دین و در نتیجه، افول کلی آن دین می‌انجامد (بروس ۱۳۹۲: ۵۶، ۷۳، ۷۷).

خلاصه آن که، تکثر/تنوع مذهبی از طریق مکانیسم ساختار باورپذیری یا موجه‌پذیری دین است که موجب می‌گردد تا التزام دینی مردم کاهش یابد: هر چه جهان‌بینی‌های مذهبی بیشتری وجود داشته باشند، هر یک از آنان کمتر موجه به نظر می‌رسند و موجب افول اعتقادات و اعمال مذهبی خواهند شد.

از آن طرف، برای طرفداران پارادایم جدید اقتصاد/بازار دین، مکانیسم علی کلیدی در تبیین رابطه میان تکثر/تنوع مذهبی با التزام دینی اساساً ساختار باورپذیری دین نبود؛ بلکه آنان «رقابت» را مکانیسم علی اصلی محسوب نمودند. این گروه از جامعه‌شناسان با این فرض که «اقتصادهای دین شبیه به اقتصادهای تجاری هستند» استدلال نمودند که رقابت میان گروه‌های مختلف مذهبی موجب ارتقاء کمیّت و کیفیت محصولات مذهبی در دسترس مصرف‌کنندگان شده و در نتیجه، کل میزان دینی که در جامعه مصرف می‌شود را افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، افراد و گروه‌های مختلف در هر جامعه‌ای واجد خرده‌فرهنگ‌ها، نیازها، ذائقه‌ها و سلیق مذهبی متفاوتی هستند؛ بنابراین، تکثر/تنوع مذهبی با ارائه دادن سبک‌های مذهبی مختلف به هر یک از افراد و گروه‌ها که به بهترین وجه متناسب با خواسته‌هایشان باشد، موجب افزایش التزام و مشارکت دینی در جامعه می‌گردد. بازارهای مذهبی متکثرتر با ارائه «فهرستی غنی‌تر» از گزینه‌ها برای انتخاب، طیف گسترده‌تری از مصرف‌کنندگان مذهبی را ارضاء خواهد کرد و در نتیجه، مشارکت و التزام دینی را بالاتر می‌برند (فینک و استارک،

۱۹۸۸؛ استارک و فینک، ۲۰۰۰؛ مونتگومری^۱، ۲۰۰۳؛ ایاناکن و بین‌بریج، ۲۰۱۰؛ استارک و کورکوران، ۲۰۱۹). پس، استدلال اصلی مدل نظری اقتصاد/بازار دین آن است که بسط فهرست گزینه‌های مذهبی برای انتخاب در یک جامعه به دامنه وسیع‌تری از مصرف‌کنندگان مذهبی امکان می‌دهد تا گزینه مذهبی مورد قبول‌شان را پیدا کنند و نتیجتاً مشارکت دینی افزایش پیدا می‌کند. در واقع، ورود مذاهب اضافی به بازار دین در یک جامعه موجب خواهد شد تا مذاهب موجود در آن جامعه تلاش‌های‌شان را افزایش دهند و دین از سرزندگی بیشتری برخوردار گردد. از این روست که تکثر یا تنوع مذهبی روی التزام و مشارکت دینی مردم تأثیرگذار می‌باشد؛ چون، رقابت در بازار آزاد دین موجب می‌گردد تا گروه‌های مختلف مذهبی سخت‌تر کار کنند تا اعضایشان را از دست ندهند، وگرنه بخاطر ریزش تدریجی اعضاء و در نهایت، نداشتن پیروان، از بین خواهند رفت.

در رویکرد نظری اقتصاد/بازار دین، رقابت بین روحانیون یا کارگزاران سازمان‌های مذهبی رقیب در جامعه‌ای که از مذاهب متعدد برخوردار است، موجب تحرک بیشتر بازار مذهبی آن جامعه می‌شود (همان‌طور که در بازارهای اقتصادی متعارف هر چه رقابت آزاد و واقعی بین بنگاه‌های اقتصادی بیشتر باشد، بنگاه‌ها را به تحرک بیشتر وامی‌دارد) و عرضه‌کنندگان کالاها و خدمات مذهبی را به تولید اثربخش‌تر طیف گسترده‌ای از محصولات مذهبی مجبور می‌کند که بخوبی با نیازها و ذائقه‌های خاص مشتریان مختلف سازگار باشند (ایاناکن، ۱۹۹۷: ۴۰). پس، مقررات‌زدایی از حیات مذهبی در یک جامعه، تکثر مذهبی را پرورش می‌دهد؛ تکثر مذهبی موجب رقابت می‌گردد؛ و رقابت موسسات مذهبی با یکدیگر موجب عرضه بیشتر و کارآمدتر محصولات مذهبی می‌گردد تا بتوانند در یک بازار رقابتی، تقاضاهای مذهبی پنهان مصرف‌کنندگان را به اندازه کافی برآورده کنند؛ که نتیجه نهایی‌اش، سرزندگی بیشتر دین در کل جامعه خواهد بود. پس، تکثر/تنوع مذهبی نه تنها به دین آسیب نمی‌رساند، بلکه با افزایش کمیت و کیفیت عرضه کالاها و خدمات مذهبی در جامعه برای برآورده نمودن نیازها و ذائقه‌های متفاوت مذهبی مردم به سرزندگی دین نیز کمک کرده و موجب تقویت دین می‌شود. این گروه از نظریه‌پردازان معمولاً این مدل را برای توضیح و تبیین استثنایی بودن سرزندگی دینی در آمریکا برخلاف اروپا مطرح می‌کنند: چون آمریکا واجد یک بازار مذهبی آزادتر و رقابتی‌تر نسبت به اروپای تنظیم‌شده با مقررات دینی بوده است، مردم آمریکا مذهبی‌تر از

اروپاییان هستند؛ ضمن آن که موسسات مذهبی در آمریکا از موفقیت و التزام بیشتر مردم نسبت به اروپا برخوردار می‌باشند (فینک و استارک، ۱۹۹۲؛ استارک و فینک، ۲۰۰۰: ۲۲۰).

همچنین، در نقد تبیین نظری پیتر برگر از سکولاریزاسیون چنین گفته شده است که مردم نیازی به یک سایبان مقدس فراگیر ندارند تا آنان را از مخاطرات تنوع مذهبی محافظت نماید. کافی است که هر یک از گروه‌ها و جماعات مختلف مذهبی از «چترهای مقدس» برخوردار باشند تا در کنار هم، ایمان پیروان‌شان را حفظ و پاسداری نمایند. به تعبیری، مردم برای حفظ و نگاهداشت اعتقادات مذهبی‌شان نیازی ندارند تا همه همسایگان هم‌مذهب‌شان باشند؛ آنها فقط به یکسری از دوستان همفکر از حیث مذهبی نیاز دارند. از این رو، اعتبار ادیان و مذاهب با وجود تکثر یا تنوع مذهبی در جامعه مورد چالش قرار نمی‌گیرد؛ چون اعضای هر گروه مذهبی می‌توانند کاملاً بر ایمان مذهبی‌شان متعهد باشند، علی‌رغم حضور دیگرانی که آنان نیز به همان اندازه متعهد به یک مذهب دیگر هستند. در مجموع، استدلال پارادایم جدید اقتصاد/بازار دین آن است که ایده سایبان مقدس در پارادایم قدیم سکولاریزاسیون مبنی بر آن که انحصار دینی است که دینداری افراد را پرشور و حرارت، و نهاد دین را در جامعه سرزنده نگه می‌دارد، کاملاً غلط است؛ کلید شور و حرارت مذهبی و قدرتمندی دین در تکثر یا تنوع نهفته است. تکثر/تنوع مذهبی است که موجب بسیج کارآفرینان مذهبی به فعالیت‌های تبلیغی بیشتر و متنوع‌تر برای جذب پیروان بیشتر می‌گردد (ایاناکن و بین‌بریج، ۲۰۱۰؛ استارک و کورکوران، ۲۰۱۹).

در مجموع و بر اساس استدلال‌های دو رویکرد نظری رقیب در حوزه جامعه‌شناسی دین دو فرضیه متضاد در خصوص چگونگی ارتباط تکثر/تنوع مذهبی با التزام دینی قابل استنتاج است: فرضیه تز سکولاریزاسیون آن است که بین تکثر/تنوع مذهبی با التزام دینی همبستگی منفی وجود دارد؛ در حالی که، فرضیه مدل بازار دین این است که بین تکثر/تنوع مذهبی با التزام دینی همبستگی مثبت وجود دارد.

۳- روش تحقیق

از آنجا که نرخ تکثر/تنوع مذهبی صفت سیستم‌های اجتماعی^۱ می‌باشد، بحث پیرامون آن در واقع بحثی در سطح کلان و نه در سطح خرد (کنشگران فردی) می‌باشد. به همین دلیل و با

۱- سیستم‌های اجتماعی یا واحدهای کلان اجتماعی عبارتند از واحدهای جغرافیایی با قلمروهای محیطی که جمعیتی از افراد و خانوارها در آنجا زندگی می‌کنند؛ همچون مناطق شهری، شهرها، شهرستان‌ها، استان‌ها و کشورها.

توجه به اصل لزوم تناسب روش با موضوع، از روش تطبیقی کمی^۱ برای واریس تجربی فرضیات این تحقیق استفاده گردید. مهم‌ترین وجه ممیزه روش تطبیقی از سایر روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی عبارت از بکارگیری و استفاده از واحدهای کلان اجتماعی (سیستم‌ها) به عنوان واحد تحلیل است. از سویی دیگر، محدودیت‌های عملی در وجود و دستیابی به داده‌های مناسب برای متغیر تکثر/تنوع مذهبی در ایران باعث گردید که واحد تحلیل این مطالعه تطبیقی را «استان» قرار دهیم. به عبارت بهتر، روش تحقیق این مطالعه «تطبیقی درون‌کشوری» است که از داده‌های جمعی (اعم از سیستمی و تجمیعی)^۲ برای مقایسه کمی واحدهای کلان اجتماعی در ایران (یعنی استان‌ها) استفاده نموده است. بنابر این، «واحد تحلیل» و «سطح تحلیل» در مطالعه حاضر به ترتیب «استان» و «ایران» بوده که از داده‌های ثانویه سال ۱۳۹۵ (آخرین سرشماری در ایران) برای تحلیل نهایی استفاده گردیده است. مشخصات این داده‌ها، ذیل مفهوم‌سازی هر متغیر تشریح خواهند شد.

۳-۱- عملیاتی‌سازی متغیرها

الف) متغیر وابسته: التزام دینی

منظور از التزام دینی، تعلق و تعهد به تعالیم و دستورات دین است که می‌توان آن را به دو نوع التزام عینی و ذهنی تقسیم نمود. التزام عینی ارجاع دارد به کلیه رفتارها و اعمال معطوف به امر قدسی یا خداوند که توسط سازمان مذهبی مشروع در جامعه، مشخص و توصیف شده‌اند. یک چنین رفتارهایی در بردارنده کلیه صورت‌های فردی و جمعی مشارکت در اعمال دینی است. التزام ذهنی در بردارنده اعتقاد به و/یا شناخت از توصیفات و تبیین‌های تأیید شده توسط یک سازمان مذهبی و داشتن عواطف و احساسات مساعد نسبت به آن است (استارک و فینک، ۲۰۰۰: ۱۰۳). البته، از آنجا که دین اکثریت قریب به اتفاق مردمان ساکن در استان‌های ایران، دین اسلام می‌باشد، مفهوم‌سازی «التزام دینی» در مطالعه حاضر، به این دین اختصاص یافت. بدین ترتیب، شاخص/معرف‌هایی که برای سنجش التزام دینی در این تحقیق در نظر گرفته شد،

1- Quantitative Comparative Method

۲- داده‌های جمعی در علوم اجتماعی به دو نوع تقسیم می‌شوند. نوع اول، داده‌های تجمیع‌شده افراد است که از طریق شاخص‌های آماری مثل نسبت‌گیری یا میانگین‌گیری به سطح سیستم ارتقاء می‌یابند؛ مثل، نرخ خودکشی، نسبت تحصیل‌کردگان دانشگاهی به کل جمعیت، نسبت نمازخوانان، و امثالهم. نوع دوم، داده‌های سیستمی است که بطور مستقیم صفت سیستم‌ها یا واحدهای قلمرویی و نه افراد می‌باشند؛ مثل، داده‌های مربوط به بی‌ثباتی سیاسی، شهرنشینی، ترکیب طبقاتی، نابرابری اجتماعی، تراکم جمعیت، صنعتی‌شدن، و امثالهم.

عبارت بودند از میزان «تلاوت قران»، «نماز خواندن»، «روزه گرفتن»، «شرکت در نماز جماعت»، و «حضور در مسجد» برای التزام عینی؛ و «اعتقاد به محاسبه اعمال در آخرت»؛ «توکل به خدا در انجام امور مهم زندگی»؛ و «احساس نزدیکی به خدا» برای التزام ذهنی.

داده‌های مربوط به متغیرهای التزام دینی از «پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج سوم» (۱۳۹۵) اخذ گردید که با حجم نمونه ۱۴۹۰۶ نفری، گسترده‌ترین جمعیت قابل تعمیم به هر یک از استان‌های کشور را زیر پوشش برده بود. داده‌های سطح سیستمی بصورت تجمیعی از درصد پاسخگویانی که در هر یک از ۳۱ استان ایران به شاخص/معرف‌های التزام ذهنی دینی (اعتقاد و احساس دینی) پاسخ «زیاد و خیلی زیاد»؛ و به شاخص/معرف‌های التزام عینی دینی (اعمال دینی) پاسخ «اکثر اوقات و همیشه» داده بودند، بدست آمد.

ب) متغیر مستقل: تکثر یا تنوع مذهبی

بنا به تعریف نظریه‌پردازان اصلی تئوری بازار دین، تکثر/تنوع مذهبی دلالت بر تعداد بنگاه‌های مذهبی فعال در اقتصاد دین یا بازار مذهبی یک جامعه دارد. هر چه تعداد بنگاه‌هایی که سهم قابل توجهی در این بازار دارند، بیشتر باشد؛ میزان یا درجه تکثر یا تنوع بیشتر خواهد بود (استارک و فینک ۲۰۰۰: ۱۹۸). البته، معلوم نیست در صورتی که بازار دین یک کشور شامل یک یا دو جماعت دینی گسترده و هر تعداد ادیان رقیب ضعیف و کم‌توانی باشد که اکثریت جامعه، امکان دسترسی به آنها را نداشته باشند و دایره انتخاب مصرف‌کننده یا مشتری فردی، بسیار محدود باشد، بتوان این جامعه را از لحاظ دینی متنوع یا متکثر دانست. به همین سبب، اگر مبنا را دین اسلام در نظر بگیریم، چون در همه استان‌های ایران بیش از ۹۹ درصد ساکنان، مسلمان می‌باشند (سالنامه آماری کشور ۱۳۹۵: ۱۵۹) تکثر یا تنوع دینی اساساً موضوعیت پیدا نمی‌کند و ما با انحصار دینی روبرو می‌باشیم. ولی، وقتی دو نوع مذهب اصلی در درون دین اسلام، یعنی مذهب تشیع و مذهب تسنن را مدنظر قرار دهیم، استان‌های ایران از حیث نسبت ساکنین شیعه و سنی یا تنوع مذهبی واجد واریانس خواهند شد.

در خصوص داده‌ها، لازم به ذکر است که متأسفانه در ایران اطلاعات آماری رسمی منتشر شده از تعداد پیروان دو مذهب اصلی دین اسلام، یعنی تشیع و تسنن در هیچ سطحی (ملی، استانی، شهرستانی، ...) وجود ندارد و در سرشماری سال ۱۳۹۵ نیز اساساً یک چنین سوالی در پرسشنامه‌ها گنجانیده نشده بود. از این رو، به ناگزیر به داده‌هایی رجوع کردیم که در وسیع‌ترین پیمایش ملی کشور یعنی، «پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج سوم»

(۱۳۹۵) بدست آمده بود. در این مجموعه داده‌ها، بجز دو مذهب شیعه و سنی، نسبت سایر اقلیت‌های مذهبی ساکن در ایران نیز مدنظر قرار گرفته بود.

برای مشخص نمودن میزان تکثر/تنوع مذهبی در هر یک از استان‌های کشور از شاخص هرfindahl^۱ استفاده شد که مدتهاست توسط اقتصاددانان و جامعه‌شناسان برای سنجش میزان تمرکز در بازار یا میزان تنوع گروه‌ها در یک سیستم اجتماعی بکار گرفته می‌شود (ر. ک. به: لایبرسون ۱۹۶۹؛ وآس و همکاران ۲۰۰۲؛ نوریس و اینگلهارت ۲۰۱۱). فرمول شاخص هرfindahl به شرح ذیل است:

$$\text{هرfindahl} = S_1^2 + S_2^2 + S_3^2 + \dots + S_n^2$$

S عبارتست از نسبت یا درصد سهم یک بنگاه در بازار. در بازار دین نیز هر یک از مذاهب یا اجتماعات مذهبی بر اساس تعداد پیروان‌شان در یک منطقه، سهمی متناسب پیدا می‌کنند. از این رو، شاخص هرfindahl عبارتست از حاصل جمع مجذور سهم مذاهب مختلف در یک بازار دین. در نهایت، شاخص «تکثر یا تنوع مذهبی» از یک منهای نتیجه فرمول شاخص هرfindahl بدست می‌آید. این شاخص در دامنه‌ای بین صفر (هنگامی که فقط یک گروه مذهبی منفرد وجود دارد) تا کمی مانده به یک (هنگامی که تعداد زیادی از مذاهب وجود دارند که سهم مساوی در بازار دین دارند) در نوسان می‌باشد. هر چقدر عدد بدست آمده بزرگتر باشد، میزان تکثر/تنوع مذهبی بیشتر خواهد بود.

ج) متغیرهای کنترل

تحقیق علی در سنت کمی مدت‌هاست که تأکیدش را بر تمایز علیت واقعی از هم‌تغییری کاذب گذاشته است. این مهم از طریق کنترل آماری برای حذف اثرات متغیرهای مزاحم و دستیابی به نتایجی با اعتبار درونی^۲ بیشتر صورت می‌پذیرد. هنگامی که فرد بدنبال برآورد اثر یک متغیر مستقل بر روی متغیر وابسته در زمینه یک مطالعه مشاهده‌ای یا غیرآزمایشی است، بلافاصله این پرسش مطرح می‌شود که چه متغیرهای دیگری باید کنترل شده یا ثابت نگه داشته شوند. این، بدان دلیل است که هر دو جنبه ضریب تأثیر علی یعنی «شدت رابطه» و «معناداری آماری» هنگامی که متغیرهای دیگری وارد مدل آماری شوند، می‌توانند از اساس تغییر یابند. اگر فرد بخواهد برآورد درستی از تأثیر خالص یک متغیر مستقل بر روی متغیر وابسته بدست

1- Herfindahl index

2- Internal validity

آورد، این متغیرهای دیگر - که بعنوان کوواریته‌ها، مقارنه‌ها^۱، و یا مزاحم‌ها^۲ شناخته می‌شوند- باید کنترل شوند. هدف از انجام این کار، نفی یا ابطال آن نیست که متغیرهای کنترلی، علل متغیر وابسته هستند؛ بلکه، نفی کردن این احتمال است که متغیرهای کنترلی، مسئول تأثیر مشاهده شده متغیر مستقل بر روی متغیر وابسته باشد (ماهونی، ۲۰۰۸: ۴۲۲). به همین دلیل و برای افزایش اعتبار درونی نتایج این تحقیق ضروری دیده شد که چند متغیر تأثیرگذار روی التزام دینی را کنترل نماییم.

مروری بر ادبیات جامعه‌شناسی دین بویژه پارادایم سکولاریزاسیون نشان می‌دهد که مهم‌ترین متغیر تأثیرگذار بر التزام دینی در سطح سیستمی، «توسعه اقتصادی-اجتماعی» است. به عبارت دیگر، پیش‌بینی استنباط شده از مفاد تئوری‌های سکولاریزاسیون در سطح سیستمی آن است که هر چه از استان‌های توسعه‌یافته‌تر به سمت استان‌های کم‌توسعه‌یافته‌تر حرکت کنیم، حضور دین پررنگ‌تر و التزام دینی بیشتر خواهد بود. در این مطالعه، سازه توسعه اقتصادی-اجتماعی استان‌ها بر اساس چهار شاخصه اصلی در ادبیات جامعه‌شناسی یعنی، سرانه تولید ناخالص داخلی واقعی در استان‌های ایران^۳، صنعتی شدن (نسبت شاغلان بخش صنعت به کل جمعیت فعال در هر استان)، شهری شدن (نسبت جمعیت ساکن در شهرها به کل جمعیت استان) و نرخ باسوادی (نسبت تعداد افراد باسواد استان به جمعیت ۶ ساله و بیش‌تر) بر اساس داده‌های موجود در سالنامه‌های آماری مرکز آمار ایران مورد سنجش قرار گرفت. البته، از آنجا که معرف‌های یک شاخص ترکیبی معمولاً نقش یا وزن یکسانی در سنجش مفهوم مورد نظر ندارند، شاخص توسعه اقتصادی-اجتماعی استان‌ها نیز از ترکیب وزنی سنجش‌های مذکور بر اساس تکنیک «تحلیل مؤلفه‌های اصلی»^۴ در تحلیل عاملی پس از استاندارد کردن نمره‌ها ساخته شد.

متغیر دوم کنترلی در مطالعه حاضر از ترکیب دو متغیر «فقر و نابرابری» ساخته شد که با توجه به مضمون اصلی تئوری‌های محرومیت و سکولاریزاسیون در جامعه‌شناسی دین، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر التزام دینی می‌باشند. مطابق با استدلال‌های این تئوری‌ها، بیشترین نفوذ و شیوع دین و دینداری در میان فقرا، تنگدستان و کلاً اقشار محروم جامعه است، زیرا دین برای آنها آرامش می‌آورد و آنان را تسلی بخشیده و ناکامی‌هایشان را جبران

1- Concomitants

2- Confounders

۳- برای آشنایی با چگونگی محاسبه این شاخص در سطح استان‌های کشور مراجعه کنید به: صالحی ۱۳۹۷.

4- Principal Component Analysis

می‌کند. از این رو، کاملاً منطقی است که انتظار داشته باشیم در اجتماعات یا واحدهای کلان اجتماعی که میزان فقر بیشتر باشد، دین حضور پررنگ‌تری داشته باشد و برعکس، کمترین میزان حضور دین متعلق به اجتماعات یا واحدهای کلان اجتماعی باشد که واجد کمترین نرخ فقر هستند. همچنین، نوریس و اینگلهارت (۲۰۱۱) با جرح و تعدیل نظریه سنتی سکولاریزاسیون و ذیل همین پارادایم، در تحقیق بین‌کشوری‌شان که از داده‌های منبعث از «پیمایش جهانی ارزش‌ها»^۱ استفاده نموده بودند، تأثیرات معنادار نابرابری اقتصادی را بر دینداری جامعوی نشان دادند. در این مطالعه، سازه «فقر و نابرابری» استان‌ها بر اساس ترکیب عاملی دو شاخص «نرخ فقر یا درصد فقرا» و «ضریب جینی» در هر استان با استفاده از گزارش‌های دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس (آذر ۱۳۹۷) و دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری مرکز آمار ایران (۱۳۹۵) ساخته شد.

۴- یافته‌های پژوهش

در ابتدا و به‌منظور ارایه تصویری کلی از جایگاه استان‌های کشور در هر یک از مقیاس‌های تحقیق، در جدول زیر، میانگین پنج استانی که بالاترین و پایین‌ترین نمره را از هر یک از سازه‌های تحقیق اخذ نموده‌اند، مشخص شده است. شایان ذکر است که برای سهولت بیشتر در تفسیر نتایج و همچنین مقایسه‌پذیر نمودن سازه‌های تحقیق، نمرات بدست آمده از هر یک از این مقیاس‌ها براساس فرمولی (ر.ک. به: دواس، ۱۳۷۶: ۲۶۷) به گونه‌ای جرح و تعدیل شد که در دامنه‌ای بین صفر (کم‌ترین میزان) تا ۲۰ (بالاترین میزان) قرار گیرند.

یافته‌های مندرج در جدول ۱ دلالت بر این واقعیت دارند که از میان پنج استانی که بیشترین میزان تکثر/تنوع مذهبی را داشته‌اند فقط یکی (سیستان و بلوچستان) جزو استان‌هایی بوده است که بالاترین نرخ دینداری را داشته است. همچنین، از میان پنج استانی که بیشترین میزان تکثر/تنوع مذهبی را داشته‌اند، یکی از استان‌ها (گلستان) جزو استان‌هایی با پایین‌ترین نرخ دینداری بوده است. جالب این که، این دو استان (سیستان و بلوچستان، گلستان) جزو استان‌هایی بوده‌اند که بالاترین میزان فقر و نابرابری را داشته‌اند؛ ولی در یکی نرخ دینداری، بیشینه است و در دیگری، کمینه.

جدول ۱: میانگین نمره پنج استان واقع در کرانه بالا و پایین سازه‌های تحقیق (N = ۳۱)

| استان | توسعه انسانی | | فقر و نابرابری | | تکثر/تنوع مذهبی | | دینداری کل | |
|--------|-------------------|--------|---------------------|---------------------|-------------------|----------|-------------------|--------|
| | استان | میزان | استان | میزان | استان | میزان | استان | میزان |
| تهران | تهران | ۱۹/۹۹ | سیستان و بلوچستان | ۱۹/۹۹ | آذربایجان غربی | ۱۹/۹۹ | سیستان و بلوچستان | ۱۹/۹۹ |
| اصفهان | اصفهان | ۱۴/۳۰۴ | گلستان | ۱۸/۹۸۲ | سیستان و بلوچستان | ۱۹/۵۴ | بوشهر | ۱۹/۲۲۱ |
| یزد | یزد | ۱۳/۴۵۶ | کرمان | ۱۵/۶۹۵ | گلستان | ۱۹/۳۱ | زنجان | ۱۷/۸۴۳ |
| سمنان | سمنان | ۱۲/۲۱۲ | هرمزگان | ۱۳/۵۷۷ | هرمزگان | ۱۴/۴۳ | همدان | ۱۶/۶۳۲ |
| بوشهر | بوشهر | ۱۱/۶۵۳ | قم | ۱۲/۲۴۷ | کردستان | ۱۳/۵۷ | یزد | ۱۶/۶۱۱ |
| استان | توسعه انسانی | | فقر و نابرابری | | تکثر/تنوع مذهبی | | دینداری کل | |
| | استان | میزان | استان | میزان | استان | میزان | استان | میزان |
| | سیستان و بلوچستان | ۰/۰۰۴ | یزد | ۰/۰۰۱ | اردبیل | ۰/۰۰۰ | گلستان | ۰/۰۱۵ |
| | کردستان | ۳/۵۱۸ | مازندران | ۱/۸۰۲ | قم | ۰/۰۰۰ | فارس | ۴/۰۱۲ |
| | آذربایجان غربی | ۴/۰۷۸ | کهگیلویه و بویراحمد | ۲/۷۵۱ | مرکزی | ۰/۰۰۰ | البرز | ۴/۰۷۵ |
| | خراسان شمالی | ۴/۸۱۶ | البرز | ۲/۷۵۴ | همدان | ۰/۱۵۹ | آذربایجان شرقی | ۵/۴۹۴ |
| اردبیل | ۵/۳۸۴ | اردبیل | ۲/۸۵۳ | کهگیلویه و بویراحمد | ۰/۲۳۹ | کرمانشاه | ۵/۷۶۰ | |

مع‌هذا، نباید فراموش کرد که هدف اصلی پژوهش حاضر آزمون یا واری تجری دو فرضیه متعارض در جامعه‌شناسی دین در خصوص چگونگی ارتباط تکثر/تنوع مذهبی با التزام دینی در بافت جمعیت مسلمانان و قلمروی کشور ایران می‌باشد. از آنجا که برخی جامعه‌شناسان دین در تحقیقات تطبیقی یا بین‌کشوری‌شان نشان دادند که الگوی ارتباط تکثر/تنوع مذهبی با «اعمال و مشارکت دینی» متفاوت با «اعتقادات دینی» است (فاکس و تابوری، ۲۰۰۸)؛ یافته‌های این تحقیق نیز بصورت تفکیکی برای سه متغیر وابسته (التزام دینی ذهنی؛ التزام دینی عینی؛ و التزام دینی کل) ارائه می‌شود. شایان ذکر است که برای واری دقیق‌تر چگونگی ارتباط تکثر/تنوع مذهبی با انواع التزام دینی در ایران هنگامی که دو شاخص «توسعه اقتصادی-اجتماعی» و «فقر و نابرابری» کنترل شوند، از مدل آماری رگرسیون استفاده

شد که از توان بسیار بالایی برای آزمون فرضیات در علوم اجتماعی برخوردار است. در ابتدا، نتایج تحلیل رگرسیون التزام ذهنی دینی (اعتقادات و عواطف دینی) به همراه همبستگی‌های ساده و تفکیکی در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۲: رگرسیون التزام ذهنی دینی بر تکثر/تنوع مذهبی با کنترل توسعه‌یافتگی و فقر و نابرابری (N = ۳۱)

| متغیرهای مستقل و کنترل | همبستگی مرتبه صفر | همبستگی تفکیکی | ضریب ساده رگرسیون | ضریب استاندارد رگرسیون | مقدار T | معناداری T |
|---------------------------------|-------------------|----------------|-------------------|------------------------|---------|------------|
| ۱ تکثر یا تنوع مذهبی | -۰/۰۵ | -۰/۰۲ | -۰/۱۸ | -۰/۰۳ | -۰/۱۱ | ۰/۹۱ |
| ۲ توسعه‌یافتگی | -۰/۰۸ | - | -۰/۱۰ | -۰/۱۰ | -۰/۴۵ | ۰/۶۶ |
| ۳ فقر و نابرابری | -۰/۱۷ | - | -۰/۱۷ | -۰/۱۷ | -۰/۷۹ | ۰/۴۴ |
| مقدار ثابت (عرض از مبدأ) = ۶/۳۸ | | | | | | |
| همبستگی چندگانه | ضریب تعیین | مقدار F | معناداری F | | | |
| ۰/۲۰ | ۰/۰۴ | ۰/۳۶ | ۰/۷۸ | | | |

نتایج مندرج در جدول ۲ نشان می‌دهد که اولاً، ضریب همبستگی چندگانه معادل ۰/۲۰ محاسبه گردیده که مبین آن است که سه متغیر تکثر/تنوع مذهبی، توسعه اقتصادی-اجتماعی؛ و فقر و نابرابری به‌طور همزمان ۲۰ صدم با التزام ذهنی دینی در استان‌های ایران همبستگی و ارتباط داشته‌اند (= ارتباطی ضعیف). ثانیاً، ضریب تعیین (R^2) نیز معادل ۰/۰۴ محاسبه گردیده که بدین معناست فقط ۴ درصد از واریانس التزام ذهنی دینی در استان‌های ایران توسط ترکیبی خطی از سه متغیر تکثر/تنوع مذهبی، توسعه اقتصادی-اجتماعی؛ و فقر و نابرابری توضیح داده می‌شود و ۹۶ درصد باقیمانده، متعلق به عوامل دیگر (و خطا) می‌باشد. نسبت F مشاهده شده برای آزمون معناداری ضریب تعیین (R^2) معادل ۰/۳۶ محاسبه گردیده که از لحاظ آماری نیز معنی‌دار نبوده است ($P = ۰/۷۸$).

یافته‌های مربوط به همبستگی تفکیکی و ضرایب رگرسیون حکایت از آن دارند که تأثیر خالص تکثر/تنوع مذهبی بر التزام ذهنی دینی در استان‌های ایران کاهش یافته است؛ گرچه میزان تأثیرش، بسیار اندک (ضریب تفکیکی = -۰/۰۲ و بتا = -۰/۰۳) و از لحاظ آماری نیز غیرمعنادار می‌باشد ($P = ۰/۹۱$) که به معنای آن است که اصلاً نمی‌توان به واقعی بودنشان

اعتماد نمود. این یافته، کلاً بر عدم ارتباط تکثر/تنوع مذهبی با التزام ذهنی دینی (اعتقادات و عواطف دینی) در استان‌های ایران دلالت دارد.

نتایج مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد که اولاً، ضریب همبستگی چندگانه معادل ۰/۱۹ محاسبه گردیده که مبین آن است که سه متغیر تکثر/تنوع مذهبی، توسعه اقتصادی-اجتماعی؛ و فقر و نابرابری به‌طور همزمان ۱۹ صدم با التزام عینی دینی (اعمال و رفتارهای مذهبی) در استان‌های ایران همبستگی و ارتباط داشته‌اند (=ارتباطی ضعیف). ثانیاً، ضریب تعیین (R^2) نیز معادل ۰/۰۴ محاسبه گردیده که بدین معناست فقط ۴ درصد از واریانس التزام عینی دینی در استان‌های ایران توسط ترکیبی خطی از سه متغیر تکثر/تنوع مذهبی، توسعه اقتصادی-اجتماعی؛ و فقر و نابرابری توضیح داده می‌شود و ۹۶ درصد باقیمانده، متعلق به عوامل دیگر (و خطا) می‌باشد. نسبت F مشاهده شده برای آزمون معناداری ضریب تعیین (R^2) معادل ۰/۳۵ محاسبه گردیده که از لحاظ آماری نیز معنی‌دار نبوده است ($P = ۰/۷۹$).

یافته‌های مربوط به همبستگی تفکیکی و ضرایب رگرسیون حکایت از آن دارند که تأثیر خالص تکثر/تنوع مذهبی بر التزام عینی دینی در استان‌های ایران افزایشی بوده است؛ گرچه میزان تأثیرش، اندک (ضریب تفکیکی = ۰/۱۱ و بتا = ۰/۱۵) و از لحاظ آماری نیز غیرمعنادار می‌باشد ($P = ۰/۵۷$). این یافته نیز بر عدم ارتباط تکثر/تنوع مذهبی با التزام عینی دینی (اعتقادات و عواطف دینی) در استان‌های ایران دلالت دارد.

جدول ۳: رگرسیون التزام عینی دینی بر تکثر/تنوع مذهبی با کنترل توسعه‌یافتگی و فقر و نابرابری (N = ۳۱)

| متغیرهای مستقل و کنترل | همبستگی مرتبه صفر | همبستگی تفکیکی | ضریب ساده رگرسیون | ضریب استاندارد رگرسیون | مقدار T | معناداری T |
|---------------------------------|-------------------|----------------|-------------------|------------------------|---------|------------|
| ۱ تکثر یا تنوع مذهبی | ۰/۱۹ | ۰/۱۱ | ۰/۹۲ | ۰/۱۵ | ۰/۵۷ | ۰/۵۷ |
| ۲ توسعه‌یافتگی | -۰/۱۴ | - | -۰/۰۷ | -۰/۰۷ | -۰/۲۸ | ۰/۷۸ |
| ۳ فقر و نابرابری | ۰/۰۸ | - | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۷ | ۰/۹۴ |
| مقدار ثابت (عرض از مبدأ) = ۵/۱۵ | | | | | | |
| همبستگی چندگانه | ضریب تعیین | مقدار F | معناداری F | | | |
| ۰/۱۹ | ۰/۰۴ | ۰/۳۵ | ۰/۷۹ | | | |

نتایج مندرج در جدول ۴ نشان می‌دهد که اولاً، ضریب همبستگی چندگانه معادل ۰/۱۵ محاسبه گردیده که مبین آن است که سه متغیر تکثر یا تنوع مذهبی، توسعه اقتصادی-اجتماعی؛ و فقر و نابرابری در سطح سیستمی به‌طور همزمان ۱۵ صدم با التزام دینی کلی در استان‌های ایران همبستگی و ارتباط داشته‌اند (=ارتباطی ضعیف). ثانیاً، ضریب تعیین (R^2) نیز معادل ۰/۰۲ محاسبه گردیده که بدین معناست فقط ۲ درصد از واریانس التزام دینی کلی در استان‌های ایران توسط ترکیبی خطی از سه متغیر تکثر یا تنوع مذهبی، توسعه اقتصادی-اجتماعی؛ و فقر و نابرابری توضیح داده می‌شود و ۹۸ درصد باقیمانده، متعلق به عوامل دیگر (و خطا) می‌باشد. نسبت F مشاهده شده برای آزمون معناداری ضریب تعیین (R^2) معادل ۰/۲۱ محاسبه گردیده که از لحاظ آماری نیز معنی‌دار نبوده است ($P = ۰/۸۸$).

یافته‌های مربوط به همبستگی تفکیکی و ضرایب رگرسیون حکایت از آن دارند که تأثیر خالص تکثر/تنوع مذهبی بر التزام دینی کلی در استان‌های ایران افزایشی بوده است؛ گرچه میزان تأثیرش، اندک (ضریب تفکیکی = ۰/۰۵ و بتا = ۰/۰۷) و از لحاظ آماری نیز غیرمعنادار می‌باشد ($P = ۰/۵۷$). همانند یافته‌های پیشین، این یافته نیز کاملاً بر عدم ارتباط تکثر/تنوع مذهبی با التزام دینی کلی (اعتقادات + عواطف + اعمال دینی) در استان‌های ایران دلالت دارد.

جدول ۴: رگرسیون شاخص التزام دینی بر تکثر/تنوع مذهبی با کنترل توسعه‌یافتگی و فقر و نابرابری ($N = ۳۱$)

| متغیرهای مستقل و کنترل | همبستگی مرتبه صفر | همبستگی تفکیکی | ضریب ساده رگرسیون | ضریب استاندارد رگرسیون | مقدار T | معناداری T |
|--------------------------------|-------------------|----------------|-------------------|------------------------|---------|------------|
| ۱ تکثر یا تنوع مذهبی | ۰/۰۸ | ۰/۰۵ | ۰/۴۴ | ۰/۰۷ | ۰/۲۷ | ۰/۷۹ |
| ۲ توسعه‌یافتگی | -۰/۱۳ | - | -۰/۱۰ | -۰/۱۰ | -۰/۴۳ | ۰/۶۷ |
| ۳ فقر و نابرابری | -۰/۰۵ | - | -۰/۰۹ | -۰/۰۹ | -۰/۴۲ | ۰/۶۸ |
| مقدار ثابت(عرض از مبدأ) = ۵/۹۰ | | | | | | |
| همبستگی چندگانه | ۰/۱۵ | ضریب تعیین | ۰/۰۲ | مقدار F | ۰/۲۱ | معناداری F |
| | | | | | | ۰/۸۸ |

۵- بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که مشاهده شد، یافته‌های مربوط به آزمون رابطه میان تکثر/تنوع مذهبی با التزام دینی در ایران با روش کمی تطبیقی درون‌کشوری و تحلیل بین‌استانی نشان داد که هیچیک از

دو فرضیه متعارض منبعث از دو پارادایم رقیب در جامعه‌شناسی دین مورد تأیید واقع نمی‌شوند. دلیل آن، این است که هر دو معیار لازم برای تأیید یک فرضیه علی در سنت کمی یعنی «شدت رابطه» و «معناداری آماری» واجد حدنصاب قابل‌قبولی نشده‌اند. میزان تأثیر خالص تکثر/تنوع مذهبی با التزام دینی در همه مدلهای تحلیل رگرسیون، اندک و از لحاظ آماری غیرمعنادار بود. با وجود این، در التزام ذهنی (اعتقادات و عواطف مذهبی) بعد از کنترل متغیرهای «توسعه اقتصادی-اجتماعی» و «فقر و نابرابری» تأثیر خالص تکثر/تنوع مذهبی مغایر با انتظار تئوری بازار دین و در راستای پیش‌بینی تئوری‌های سکولاریزاسیون، منفی بود؛ اگرچه میزان تأثیرش، بسیار اندک و از لحاظ آماری نیز غیرمعنادار بوده است. در التزام عینی (رفتارها و اعمال مذهبی) تأثیر خالص تکثر/تنوع مذهبی مطابق با انتظار تئوری بازار دین و مغایر با تئوری‌های سکولاریزاسیون، مثبت بوده؛ گرچه میزان تأثیرش، اندک و از لحاظ آماری نیز غیرمعنادار بوده است. سرانجام، در التزام دینی کلی (ذهنی + عینی) تأثیر خالص تکثر/تنوع مذهبی مطابق با انتظار تئوری بازار دین و مغایر با تئوری‌های سکولاریزاسیون، مثبت بوده؛ گرچه میزان تأثیرش، اندک و از لحاظ آماری نیز غیرمعنادار بوده است. همه این یافته‌های آماری دلالت بر عدم ارتباط واقعی میان دو متغیر تکثر/تنوع مذهبی و التزام دینی در ایران بصورت مقایسه بین‌استانی داشته است. به عبارت دیگر، متغیر تکثر/تنوع مذهبی قابلیت توضیح و تبیین واریانس یا تغییرات التزام دینی در استان‌های ایران را نداشته است.

البته، شاید یافته‌های تحقیق حاضر مبنی بر عدم‌ارتباط میان تکثر/تنوع مذهبی با التزام دینی ناشی از واریانس اندک تکثر/تنوع مذهبی در ایران باشد. مع‌الوصف، همان‌طور که در مروری جامع بر ۱۹۳ تحلیل آماری معطوف به ارتباط میان تکثر/تنوع مذهبی با مشارکت دینی در کشورهای غربی نشان داده شد، یافته‌های مربوط به ۲۵ درصدشان (۴۷ مورد) مثل تحقیق حاضر عبارت بوده است از عدم‌ارتباط واقعی؛ که ۲۶ مورد آنها واجد ضریب همبستگی مثبت غیرمعنادار و ۲۱ تای شان واجد ضریب همبستگی منفی غیرمعنادار بوده‌اند (چاوز و گورسکی ۲۰۰۱: ۲۶۴). پس، نمی‌توان اظهار نمود که یافته‌های مطالعه حاضر در بافت کشور مسلمان ایران مغایرت کاملی با ادبیات پژوهشی این حوزه مطالعاتی داشته است. با این حال، چون این مطالعه، اولین مطالعه تجربی در خصوص ارتباط تکثر/تنوع مذهبی با التزام دینی در ایران محسوب می‌شود؛ همواره در معرض چالش و تجدید نظر در پرتوی تحقیقات بیشتر بویژه با داده‌های جدید و معتبرتر خواهد بود.

منابع

- برگر، پیتر (۱۳۹۷). *سایبان مقدس*. ترجمه ابوالفضل مرشدی. تهران: نشر ثالث
- بروس، استیو (۱۳۸۷). *مدل سکولار شدن غرب*. ترجمه محمدمسعود سعیدی. تهران: گام نو
- بروس، استیو (۱۳۹۲). *افول دین پیامد اجتناب‌پذیر مدرنیته است*. در: محمدرضا جلایی‌پور (ویراستار). *دین و نظریه اجتماعی*. (صص ۵۵-۸۸). تهران: انتشارات کویر.
- دواس، دی‌ای (۱۳۷۶). *پیمایش در تحقیقات اجتماعی* (چاپ اول). ترجمه هوشنگ نائبی. تهران: نشر نی.
- صالحی، محمدجواد (۱۳۹۷). *رتبه‌بندی استان‌های کشور بر اساس شاخص‌های توسعه انسانی و سرمایه انسانی*. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۲۴(۱)، ۴۹-۲۷.
- دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۷). *خط فقر ایران در سال ۱۳۹۵ و مروری بر روش محاسبه آن* (گزارش شماره ۱۶۱۵۹).
- Berger, P. L. (1969). *The sacred canopy: Elements of a sociological theory of religion*. New York: Anchor Books.
- Bruce, S. (1999). *Choice and religion: A critique of rational choice*. Oxford: Oxford University Press.
- Bruce, S. (2011). *Secularization*. Oxford University Press.
- Boudon, R. (1998). Social mechanisms without black box. In: P. Hedström, & R. Swedberg (Eds.). *Social mechanisms: An analytical approach to social theory*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Chaves, M., & Gorski, P. S. (2001). Religious pluralism and religious participation. *Annual review of sociology*, 27(1), 261-281.
- De Graaf, N. D. (2013). Secularization: Theoretical controversies generating empirical research. In: R. L. Wittek, T. A. Snijders & V. Nee (Eds.). *The handbook of rational choice social research*. (pp. 322-354). Stanford: Stanford University Press.
- Finke, R., & Iannaccone, L. R. (1993). Supply-side explanations for religious change. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 527(1), 27-39.
- Finke, R., & Stark, R. (1988). Religious economies and sacred canopies: Religious mobilization in American cities, 1906. *American sociological review*, 41-49.
- Finke, R., & Stark, R. (1992). *The churching of America, 1776-1990*. NJ: Rutgers University Press.

- George, Alexander and Andrew Bennett (2005) *Case Studies and Theory Development in the Social Sciences*, MIT Press.
- George, A. L., Bennett, A. (2005). *Case studies and theory development in the social sciences*. MIT Press.
- Goertz, G., & Mahoney, J. (2012). *A tale of two cultures: Qualitative and quantitative research in the social sciences*. Princeton University Press.
- Gross, N. (2009). A pragmatist theory of social mechanisms. *American Sociological Review*, 74, 358–379.
- Hedström, P., & Swedberg, R. (1998) *Social mechanisms: an analytical approach to social theory*. Cambridge University Press.
- Hechter, M., & Kanazawa, S. (1997). Sociological rational choice theory. *Annual review of sociology*, 23(1), 191-214.
- Iannaccone, L. R. (1991). The consequences of religious market structure: Adam Smith and the economics of religion. *Rationality and society*, 3(2), 156-177.
- Iannaccone, L. (1997). Rational choice: framework for the scientific study of religion. In L. Young (Ed.). *Rational choice theory and religion summary and assessment* (pp. 25–44). New York: Routledge.
- Iannaccone, L. Bainbridge, & W. S. (2010). Economics of religion. In J. Hinnells (Ed.). *The Routledge companion to the study of religion* (pp. 461-475). Routledge.
- Lechner, F. (2007). Rational choice and religious economies. In J. Beckford & N. J. Demerath (Eds.). *The Sage handbook of the sociology of religion* (pp. 81-97). Sage Publications Ltd.
- Lieberman, S. (1969). Measuring population diversity. *American Sociological Review*, 34, 850-62.
- Little, D. (2004). Counterfactual. In M. S. Lewis-beck and A. Bryman and T. F. Liao (Eds.). *The Sage encyclopedia of social science research methods* (V: 1, pp. 206-207). SAGE Publications, Inc.
- Iyer, S. (2016). The new economics of religion. *Journal of Economic Literature*, 54 (2) 395–441.
- Mahoney, J. (2001). Beyond correlational analysis: recent innovations in theory and method. *Sociological Forum*, 16, 575–93.
- Montgomery, J. (2003). A formalization and new test of the religious economies model. *American Sociological Review*, 68: 782–809.
- Norris, P., & Inglehart, R. (2011). *Sacred and secular: religion and politics worldwide*. Cambridge University Press.
- Stark, R. & Bainbridge, W. S. (1987). *A theory of religion*. New Brunswick, N.J.: Rutgers University Press.

- Stark, R., & Finke, R. (2000). *Acts of faith: explaining the human side of religion*. University of California Press.
- Stark, R. (1997). Bringing theory back in. In L. A. Young (Ed.). *Rational choice theory and religion* (pp. 3–25). New York: Routledge.
- Stark, R. (2006). Economics of Religion. In R. Segal (Ed.). *The Blackwell companion to the study of religion* (pp. 47-68). Blackwell Publishing Ltd.
- Stark, R., & Corcoran, K. (2019). *The morality of nations*. Rutgers University Press.
- Stark, R. & Bainbridge, W. (1987). *A theory of religion*. New Brunswick, NJ: Rutgers University Press.
- Stark, R. & Finke, R. (2000). *Acts of faith: explaining the human side of religion*. Berkeley: University of California Press.
- Voas, D., Olson, D. V. A., & Crockett, A. (2002). Religious pluralism and participation: why previous research is wrong. *American Sociological Review*, 67, 202–20.
- Warner, S. (1993). Work in progress: toward a new paradigm for the sociological study of religion in the United States. *American Journal of Sociology*, 98 (5), 1044-93.
- Wolters, W., & De Graaf, N. D. (2009). *Social problems: descriptions and explanations*. Amsterdam: Boom.
- Ylikoski, P. (2018). Social mechanisms. In S. Glennan & P. Illari (Eds.). *The Routledge handbook of mechanisms and mechanical philosophy* (pp. 401-412). Routledge Publication.

